

## الزامی شدن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی و حق بهر همندی مردم از معاضدت قضایی و وکالت تسخیری\*

بررسی قوانین عادی، قانون اساسی و عملکرد دولت و قوه قضاییه مجتمع‌های قضایی و دادگستری‌ها و دادگاه‌ها و نیز کانون‌های وکلای دادگستری در این زمینه.

### طرح موضوع و تصویب مقررات برای الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی

قانونگذار پیش از انقلاب، یکسال پس از تصویب ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ که برای نخستین بار تأمین اعتبار برای پرداخت حق الوکاله وکالت‌های معاضدتی و تسخیری در بودجه‌های سالانه کشور را مقرر کرد، طی قانونی دیگر (فصل هشتم، بخش وکالت مواد ۳۱ تا ۳۴ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری) در سال ۱۳۵۶، دولت را مکلف کرد که در مورد همه یا برخی از دعاوی و در نقاطی که اعلام می‌کند، با اجباری کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی، به اندازه کافی از طریق جلب همکاری کانون‌های وکلای دادگستری، وکیل معاضدتی برای کسانی که بضاعت گرفتن وکیل دادگستری را ندارند، تأمین کند. ماده ۳۴ این قانون نیز مقرر داشت آیین‌نامه اجرایی برای پرداخت قسمتی از حق الوکاله به وکلای معاضدتی تدوین گردد و برای آن در بودجه سالانه کل کشور تأمین اعتبار شود.

به عبارت دیگر قانونگذار پیش از انقلاب نیز به این نتیجه رسیده بود که در ایران هم مانند همه جای جهان، دولت، قوه قضاییه و جامعه نیز در تأمین امکانات برای مردمی که توانایی

پرداخت حق الوکاله ندارند، باید مشارکت کنند و بار آن فقط بر دوش وکلای محترم دادگستری که در تاریخ ۹۰ ساله دادگستری نوین ایران، افتخار این خدمت را به ویژه در تاریخ ۵۳ ساله استقلال کانون‌های وکلا به عهده داشته‌اند و خواهند داشت نباشد. از دیدگاه تطبیقی شیوه آرایه خدمات وکالت معاضدتی در سه کشور انگلیس و آمریکا و آلمان بررسی شده و برای سنجش با مقررات معاضدت کشور ما می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، در پایان این نوشته آمده است اصول عام و کلی که در مقررات معاضدت این کشورها مشترک است عبارتند از:

۱. اصل آزادی وکلای دادگستری در پذیرش وکالت معاضدتی یا عدم پذیرش آن.
۲. اصل آزادی مردم برای مراجعه و انتخاب وکیل معاضدتی از میان وکلایی که آرایه وکالت معاضدتی را پذیرفته‌اند.
۳. تأمین اعتبار لازم در بودجه‌های عمومی برای پرداخت حق الوکاله وکلای معاضدتی با تعرفه کمتر.
۴. حفظ استقلال عمل وکلای دادگستری و کانون‌های وکلای دادگستری و عدم وابستگی آنها به دادگستری برای اعمال اصل آزادی پذیرش وکالت‌های معاضدتی و تسخیری.
۵. کم کردن فاصله وکالت معاضدتی با وکالت تعیینی از نظر کیفی با استفاده از اهرم‌هایی مانند:
  - ایجاد نظام معاضدتی که در آن با روان کردن اصل آزادی انتخاب برای موکل و وکیل در مراجعه و قبول وکالت، طرفین با اطمینان و رضایت و اختیار وارد این رابطه شوند.
  - تشویق وکلا به قبول آرایه خدمات وکالت معاضدتی و بالا بردن میزان حق الوکاله معاضدتی و یا دادن امکانات و تجهیزات به دفاتر وکلایی که وکالت معاضدتی را می‌پذیرند از طریق شرکت‌ها و مؤسسات عمومی و خیریه...
  - نظارت و رسیدگی به شکایت‌های احتمالی موکلان معاضدتی از سوی سازمان مستقلی که مسؤول این کار و هزینه کردن اعتبار و پرداخت آن است. بی‌آنکه در استقلال کانون‌های وکلا و نهادهای انتظامی آن مداخله کنند. و یا عملکرد آنان موجب کناره گرفتن

و انصراف وکلا از انجام وکالت‌های معاضدتی و تسخیری شود.

از دیدگاه تاریخی کهن‌ترین سندی که درباره وکالت دادگستری و وکالت معاضدت در ایران دیده می‌شود، مادگان هزار دادستان / کتاب هزار رای است که به زبان پارسیک (پهلوی ساسانی) در اوایل سده ۶ میلادی نوشته شده است. با استناد به این سند است که می‌توان گفت در اواخر دوره تقریباً سه سده‌ای حکومت ساسانی نهاد وکالت که به آن دادگویی می‌گفتند در دادگستری ایران وجود و رواج داشته است. چه در یکی از درهای ۴۳ گانه این کتاب، دادستان (=رای)‌های مربوط به دادگویی - وکالت - که دادگاه‌های ساسانی صادر کرده‌اند، گردآوری شده است. در این دادستان‌ها حتی میزان تعرفه قانونی حق‌الوکاله ۱۴ تا ۲۲ درصد خواسته و تخلف از نرخ آن هم مطرح شده است.

اصطلاح دادگو به معنی گوینده قانون که به وکیل دادگستری می‌گفتند، به مراتب از اصطلاح آووکات که یونانی است دقیق‌تر و فنی‌تر است. در یونان باستان سخنورانی را که در دادگاه به جای و برای طرفین دعوی سخن می‌گفتند آووکات یعنی «برای او» می‌نامیدند و این واژه در یونان اندک‌اندک معنی شاغل پیشه وکالت و وکیل دادگستری را گرفت و به کشورهای دیگر رفته است. امروزه در بسیاری از کشورهای غربی و حتی ترکیه به وکیل آووکات می‌گویند...

به روایت از مادگان هزار دادستان / کتاب هزار رای، درویشان دادگویی و درویش دادگو که می‌توان امروز آنها را معادل معاضدت قضایی و وکیل معاضدت گذاشت، در اصلاحاتی که قباد و انوشیروان در جریان جنبش دینی - اجتماعی مزدک در دادگستری وقت ایران و نهادهای آن پدید آوردند، وارد واژگان حقوقی دوره ساسانی شده است. در جریان این اصلاحات اجتماعی، نهاد دولتی درویشان دادگویی یا وکالت برای بی‌چیزان با تغییر عنوان و وظایف نهادی دیگر به نام موبدی که آن هم در دادرسی آن زمان ایران ساسانی نقش داشته است، پدید آمد. در یکی از دادستان (=رای)‌های دیگر که فرح مرد بهرامان از پرونده‌های دادگستری شهر گور (فیروزآباد کنونی) بیرون آورده و کوتاه و ماده شده آن را در این کتاب ثبت کرده است، از آآمد زمان یعنی مهلت زمانی که دادگاه‌ها برای تهیه هزینه دادرسی و دستمزد دادوران (=قضات) به پیشمار (=خواهان) می‌داده‌اند و مدت آن تا یک سال هم بوده، سخن می‌رود. با توجه به این دادستان و به دیده گرفتن

تعرفه ۱۴ تا ۲۴ درصدی حق الوکاله دادگویان (=وکلاهای دادگستری ساسانی) نارضایتی مردم از گرانی هزینه طرح دعوی و حق الوکاله وکیل و لزوم اصلاحاتی که موجب گردید نهاد معاضدت قضایی برای نخستین بار در ایران از آن سربرآورد، به خوبی روشن می‌شود.

تحول نهاد وکالت دادگستری و معاضدت قضایی از دیدگاه وابستگی به قوه قضایی و استقلال از آن را نیز می‌توان به شرح زیر بازخوانی کرد:

در تاریخ صد ساله اخیر ایران «پس از پیروزی جنبش مشروطه خواهی به تدریج از ۱۳۲۹ قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) با تصویب قوانین گوناگون مقرراتی درباره وکالت دادگستری و معاضدت قضایی تدوین گردید و تغییر و تحول پیدا کرده است:

در ۲۶ شوال ۱۳۳۲ قمری (۱۲۹۳ خورشیدی نظام‌نامه امتحان وکلای رسمی عدلیه به استناد مواد ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۴۰ اصول تشکیلات عدلیه توسط وزارت عدلیه وقت تنظیم گردید.

نخستین نظام‌نامه اساسی وکلای رسمی عدلیه نیز در تیرماه ۱۳۰۰ شمسی نوشته شد. و به استناد همین نظام‌نامه، اولین مجمع وکلای دادگستری تشکیل گردید و یک هیأت مدیره ۶ نفره برگزیده شد. نظام‌نامه داخلی و وظایف هیأت مدیره را نوشت... پرداخت شهریه از طرف وکلا برای مخارج مجمع را مقرر گرد... نظام‌نامه شعبه راهنمایی و مساعدت... را نوشت.

با انتقال سلطنت به رضاخان در آبان ماه ۱۳۰۴ خورشیدی، علی اکبر خان داور در بهمن ماه ۱۳۰۵ به موجب اعلانی که در جراید منتشر شد کلیه تشکیلات عدلیه موجود در تهران را منحل اعلام کرد.

پس از پی‌ریزی اساس دادگستری نوین، داور در تیرماه ۱۳۰۹ از طریق داود پیرنیا رئیس اداره احصایه دادگستری درباره تأسیس کانون وکلا با وکلا مذاکره کرد و در روز سه‌شنبه بیستم آبان ماه کانون وکلا در محلی واقع در قسمت جنوبی خیابان باب‌همایون روبروی ساختمان جدید وزارت دارایی که به هزینه وکلا خریداری شده بود، رسماً افتتاح شد.

داور در روز افتتاح در سخنرانی خود گفت: «... وکلا نباید بگذارند قاضی در محاکمات و

قضات خود از قانون منحرف شود... بدون اینکه وکیل خوب تهیه شود عدلیه خوب محال است. در این جلسه با پیشنهاد وکلا، داور به عنوان رییس کانون وکلا و داود پیرنیا به سمت نایب رییس کانون وکلا معرفی و انتخاب شدند و برای نخستین بار مرکزی به نام کانون وکلای دادگستری به وجود آمد، که همواره اداره معاضدت نیز یکی از ارکان مهم آن بوده و هست. هر چند این مرکز مستقل و آزاد نبود بلکه وابسته به یکی از ادارات عدلیه بوده و رییس آن وزیر عدلیه و نایب رییس آن رییس اداره احصاییه عدلیه بوده ولی هسته کانون وکلای مستقل آینده شد.

### تحولات مهم (۱۳۱۵-۱۳۳۱)

استقلال کانون وکلای دادگستری و مقدمات و تحولاتی که در سال ۱۳۳۱ منجر به این استقلال گردید:

در تحولات بعدی اندک اندک، داشتن پروانه وکالت جز در موارد وکالت اتفاقی، برای اشتغال به وکالت دادگستری الزامی شد. وکلا توانستند با قانون وکالت ۱۳۱۵ برای نخستین بار کانون وکلای دادگستری خود را هرچند غیرمستقل و وابسته به وزارت دادگستری و نظامات آن به صورت مؤسسه‌ای دارای شخصیت مستقل با هزینه و درآمدی که اعضا متکفل تأمین و مصرف آن بودند، پدید آورند. ولی با این قانون نیز وکلای دادگستری و کانون وکلا در واقع باز هم مستقل نبودند زیرا برطبق مقررات آن:

**اولاً:** قبول درخواست پروانه وکالت، صدور پروانه وکالت، رسیدگی به شکایات علیه وکلا و تخلفات آنها به عهده وزارت دادگستری بود و فقط نظارت بر اعمال وکلا و تهیه موجبات پیشرفت علمی و اخلاقی آنها و معاضدت قضایی را کانون عهده‌دار بود.

**ثانیاً:** گرچه تعقیب انتظامی وکلا به عهده دادگاه انتظامی قضات بود اما وزیر دادگستری برای تعقیب وکلا و اعمال مستقل بعضی مجازات‌ها و منع وکیل از وکالت در حوزه قضایی خاص، اختیارات وسیعی داشت و بیم آن می‌رفت که از آنها برای اعمال نظرات سیاسی و غیرسیاسی خاصه علیه بعضی وکلا استفاده شود. از این رو وکلای دادگستری از دخالت وزارت دادگستری در امور وکالت خرسند نبودند.

در هر حال در اجرای ماده ۳۱ همین قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ و تبصره ذیل آن و نیز

ماده ۲۳ آن و عشق خدمت به مردم است که وکلای دادگستری از طریق اداره معاضدت قضایی و وکالت تسخیری خدمت خود به مردم را ادامه می دهند.

در اسفند سال ۱۳۳۱ وکلای دادگستری پیش‌نویسی برای تأمین استقلال کامل کانون وکلای دادگستری و نحوه اداره آن توسط هیأت مدیره منتخب خود وکلا و همچنین همچون گذشته، مقررات مربوط به راهنمایی و مشاوره حقوقی و انجام وکالت معاضدتی برای مردم نیازمند به این خدمات را تهیه و از طریق لطفی وزیر دادگستری وقت تقدیم شادروان محمد مصدق نخست‌وزیر کردند که در ۷ اسفند ۱۳۳۱ با اختیارات ویژه قانونی ایشان با عنوان لایحه قانونی استقلال کانون‌های وکلای دادگستری به تصویب رسید و بعدها هم در سال ۱۳۳۴ مجدداً مورد تصویب مجلس دولت پس از کودتا قرار گرفت.

فراموش نباید کرد که نهاد وکالت مستقل و آزاد از قوه قضاییه نیز همچون جدایی دادگاه‌ها از دادسرا دستاورد بزرگ تجربه بشری است.

نهاد وکالت و قوه قضاییه باید هر دو به طور جدا و مستقل از هم در جهت احقاق حق حرکت کنند قطعاً تقابل مستقل آنها که اعلی حد همکاری مشترک برای کشف واقع و حق در جریان رسیدگی پرونده است، نتیجه‌اش اعتبار دستگاه قضایی و انسجام و استحکام و درستی رأی دادگاه‌ها بهبود و سرعت و دقت در رسیدگی قضایی و احقاق حق مردم است.

تجربه جهانی هم مؤید تجربه داخلی است، پیشینه وکالت در ایران نشان می‌دهد که به راستی وکیل خوب هم بی یک کانون وکلای مستقل نمی‌تواند تربیت شود. کانونی که وکلای عضوش بتوانند باگستاخی و دلیری در کنار قوه قضاییه مقتدر و بی‌طرف، قانون و حق را به نفع عموم مردم و نظام اجتماعی آشتی دهند، کانونی که به حق رییسش در شأن و مقام باید در عرض دادستان کل کشور باشد. اداره معاضدت قضایی نیز در چنین شرایطی است که می‌تواند و باید به مردم خدمت کند.

نقض این استقلال آنهم پس از انقلاب اسلامی در دولت اصلاح طلب خاتمی که از طریق اجرای غیرقانونی ماده ۱۸۷ برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و ایجاد نهاد وکالت موازی و وکلای وابسته به قوه قضاییه صورت گرفته است از بن اشتباه بوده و تضعیف بیشتر هر دو نهاد قضاوت و وکالت را در پی داشته و خواهد داشت. جداگانه در این باره سخن

می‌گوییم.

### مقررات معاضدت کنونی ایران

در تاریخ معاصر ایران موضوع الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی به سال ۱۳۰۷ برمی‌گردد. دکتر احمد متین‌دفتری چندین بار برای الزامی کردن دخالت وکیل در دعاوی دست کم در مراحل و انواع خاصی از دعاوی در پیش‌نویس‌هایی که برای آیین دادرسی مدنی برای ارایه به مجلس تهیه کرده بود مقررات مهمی در طرح‌های خود آورده بود که به تصویب قوه مقننه وقت نرسید. از سال ۱۳۵۵ موضوع الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی به طور جدی مورد توجه قانونگذار ایرانی قرار گرفته است. از این رو قوانین وکالت و معاضدت را که هنوز هم جاری و حاکم است به دو بخش می‌توان تقسیم کرد؛ قوانین پیش از الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی و قوانین پس از آن:

### الف) قوانین قدیمی مصوب قانونگذار ایرانی از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۵ خورشیدی (پیش از انقلاب اسلامی، پیش از الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی):

این مقررات قدیمی که هنوز هم راهنما و دستورالعمل قانونی شیوه ارایه خدمات مشاوره و راهنمایی حقوقی و وکالت معاضدتی در اداره معاضدت قضایی کانون وکلای مرکز است؛ پس از پیروزی جنبش مشروطه خواهی، به تدریج از ۱۳۲۹ قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) با تصویب قوانین گوناگون تدوین گردیده و تغییر و تحول پیدا کرده است. به استناد و براساس همین قوانین است که کانون‌های وکلا در طول خدمات نود و چند ساله خود به ویژه در طول ۵۳ سالی که از استقلال این نظام صنفی و نهاد مهم مدنی می‌گذرد خدمات مشاوره حقوقی رایگان و راهنمایی و وکالت معاضدتی به مردم داده‌اند. به قوانین مصوب در این زمینه که از ۱۳۱۵ تا پیش از طرح دوباره موضوع الزامی شدن وکالت در ۱۳۵۵ تصویب شده‌اند نگاهی می‌افکنیم:

۱. حق مردم برای استفاده از خدمات معاضدت قضایی و وکیل معاضدتی در قوانین عادی:

ماده ۲۴ قانون وکالت ۱۳۱۵/۱۱/۲۵: کسانی که قدرت تأدیه حق الوکاله ندارند می‌توانند از کانون تقاضای معاضدت کنند مشروط بر اینکه دعوی با اساس و راجع به

شخص تقاضا کننده باشد. طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضایی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

طبق مقررات این ماده، متقاضی استفاده از وکیل معاضدتی باید، شخصاً درخواست معاضدت قضایی و تعیین وکیل معاضدتی از کانون کند و نمی تواند از طریق وکیل درخواست معاضدت کند. پذیرش درخواست وکیل معاضدتی دو شرط دیگر هم دارد، یکی اینکه متقاضی قدرت تأدیه حق الوکاله را نداشته باشد دوم اینکه دعوی بااساس باشد یعنی قانوناً قابل پیشرفت باشد و از مستندات متقاضی چنین بریاید که هم حق دارد و هم حق او در محکمه قابل اثبات باشد.

#### ۲. حق اعتراض به رد درخواست وکیل معاضدت:

طبق ماده ۳۸ نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۹: معاضدت قضایی می تواند تحقیقاتی در دلایل دعوی بکند و هرگاه تشخیص دهد که مقصود تقاضا کننده سوءاستفاده و شرخری است از تعیین وکیل خودداری و تقاضا را رد کند. هرگاه درخواست معاضدت پذیرفته نشود. متقاضی معاضدت می تواند طبق ماده ۳۹ نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۹ در ظرف ۱۰ روز به هیأت مدیره شکایت کند. رأی هیأت مدیره قطعی است.

براساس مقررات این ماده همکاران ما در اداره راهنمایی قضایی که وظیفه ارایه مشاوره و مصاحبه با مراجعین را دارند، باید در صورت احراز شرایط متقاضی برای استفاده از وکیل معاضدت با اخذ فتوکپی کلیه مستندات متقاضی، مانند یک پرونده قضایی درباره بااساس بودن دعوی یا دفاعی که موردنظر متقاضی معاضدت است بررسی اجمالی کنند و حقانیت و قابل پیشرفت بودن دعوی یا عدم آن را احراز و سپس اظهارنظر کنند. تصمیم آنها در حین تعین وکیل معاضدت توسط رییس اداره معاضدت و یا در جریان اعتراض متقاضی به رد درخواست توسط هیأت مدیره کانون مورد بررسی و تجدیدنظر قرار می گیرد.

#### ۳. حق درخواست مستقیم مردم از رییس کانون برای پذیرش و تعیین وکیل معاضدتی:

نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۹ ماده ۴۶- در مواردی که انجام مقدمات و تشریفات مربوطه به معاضدت قضایی موجب انقضای موعد از تقاضا کننده بشود رییس



کانون می‌تواند مستقیماً وکیل انتخاب کند مشروط به اینکه تقاضانامه از حیث ضمایم کامل باشد.

۴. تکلیف وکلا برای انجام معاضدت و نیز وصول حق الوکاله از محکوم به:

ماده ۳۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ و تبصره ذیل آن: وکلا باید وکالت انتخابی حقوقی و جزایی را که در حدود قوانین و نظامات به آنها ارجاع می‌شود قبول کنند. تبصره: مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در مورد جزایی و از طرف کانون در امور حقوقی به آنها ارجاع می‌شود.

ماده ۲۴ همین قانون نیز مقرر داشته است که: وکلای عدلیه مکلفند همه ساله در سه دعوی حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت کنند.

ماده ۴۳: وکیل منتخب مکلف است قرارداد حق الوکاله تنظیم کرده نسخه دوم آن را با رسید وکالتنامه به دبیرخانه معاضدت قضایی بفرستد و پس از ختم دعوی در صورتی که موکل محکوم له واقع شود، خمس حق الوکاله را که در قرارداد تنظیمی مقرر است وصول و به صندوق کانون ایصال دارد مگر اینکه ثابت کند که دریافت حق الوکاله قانوناً غیرمقدور است.

ماده ۴۴: وکیل انتخابی باید از جریان کار مرجوع، شعبه قضایی (اداره معاضدت کانون) را مطلع دارد.

و در مقابل ماده ۴۵: وکیل انتخابی می‌تواند از شعبه مؤسسه راجع به کلیه اقداماتی که لازم است مشورت کند.

۵. آرایه خدمات معاضدت قضایی از سوی کانون وکلا برای افراد واجد شرایط مشروط و مقید به هیچ‌گونه شرط یا پرداخت وجهی نیست:

آرایه خدمات راهنمایی و مشاوره در اداره معاضدت و یا دادگستری‌ها و مجتمع‌های قضایی رایگان است در مورد وکالت تسخیری و همچنین معاضدت قضایی که منحصرأدر امور حقوقی آرایه می‌شود نیز اصولاً تا ۷۴/۴/۲۲ هیچ اعتباری از بودجه عمومی اختصاص داده نشده بود... ولی آیین نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۵۴۱۴۲۱ فقط در این سال، برای هر پرونده معاضدتی و یا تسخیری مبلغ ۷۵۰۰۰ ریال تعیین اعتبار کرده است ولی تاکنون به اداره معاضدت کانون مرکز و وکلایی که به عنوان وکیل معاضدت این اداره برای مردم

مراجعه کننده انتخاب شده اند، هیچ وجهی حتی از محل این اعتبار مصوب هم پرداخت نشده است. در این باره در جای خود به نقد و توضیح موضوع خواهیم پرداخت.

#### ۶. وصول حق الوکاله قانونی از محکوم به:

طبق قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون وکالت: «... چنانچه موکل محکوم له واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخته خواهد شد، پنج یک آن متعلق به کانون است.»

#### ۷. تشکیلات و آیین رسیدگی اداره معاضدت، دبیرخانه و بخش های گوناگون آن بر طبق

نظام نامه مصوب ۲۶/۳/۱۹

مستند قانونی راهنمایی و پذیرش مردم در اداره معاضدت کانون وکلای مرکز همین نظام نامه است. براساس همین نظام نامه، دفتر راهنمایی کانون در محل اداره معاضدت تشکیل است و همه روزه همکاران محترم در ۷ غرفه مراجعین را که برای راهنمایی و مشاوره در مشکلات حقوقی شان می آیند، راهنمایی می کنند و آنها را هم که نیازمند به استفاده از وکیل معاضدتی تشخیص می دهند معرفی می نمایند که پس از تأیید نظر آنها برای معرفی شوندگان از میان همکاران محترم وکیل معاضدتی انتخاب و تعیین می گردد. در واقع دفتر راهنمایی کانون، اداره معاضدت و دبیرخانه آن و همچنین شعبه عرایض هر چهار بخش معاضدت در طبقه همکف ساختمان کانون مستقر است و مسؤولیت رسیدگی به درخواست های متقاضیان و یا نامه های واصله از مراجع گوناگون قضایی از جمله اداره سرپرستی و یا اداره نظارت و پیگیری قوه قضاییه را که طی آنها مراجعین شان برای استفاده از راهنمایی وکیل معاضدتی به کانون معرفی و یا از طریق ریاست محترم کانون ارجاع می شوند، نیز به عهده دارد. با اجرای قانون الزامی شدن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی رسیدگی و اقدام درباره ارجاعات رؤسای دادگستری ها و دادگاه ها هم برای دادن معاضدت به عهده ادارات معاضدت کانون های وکلای دادگستری است.

این وظیفه جدید در واقع همراه با تشکیل و تجهیز بخش پذیرش و راهنمایی مجتمع های قضایی حجم کار اداره معاضدت را چندین برابر کرده است.

نظام نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۹ نیز شعبه عرایض و دفتر راهنمایی را پیش بینی کرده است. اصولاً مستند قانونی دبیرخانه و تشکیلات معاضدت نیز همین

نظام‌نامه است که نگاهی به آن می‌افکنیم:

تشکیلات اداره معاضدت قضایی و آیین رسیدگی آن بر طبق نظام‌نامه مصوب ۱۳۰۶/۳/۱۹:

ماده (۳۴) مؤسسه معاضدت در مرکز است و دارای شعب ذیل می‌باشد:

۱. دبیرخانه

۲. شعبه عرایض

۳. شعبه قضایی

ماده (۳۵) کارکنان معاضدت قضایی باید حتی‌المقدور از بین وکلای عدلیه انتخاب

شوند و ممکن است برای آنها حق‌الزحمه در بودجه کانون منظور شود.

ماده (۳۶) تقاضای معاضدت به دبیرخانه مؤسسه مزبور داده می‌شود کسانی که دور از

مرکز معاضدت قضایی هستند می‌توانند مستقیماً یا توسط کانون محل در صورتی که

تشکیل شده باشد و یا به وسیله دفتر عدلیه اقامت خود تقاضا کنند.

در این صورت کانون یا دفتر عدلیه محل موظف است تقاضا‌نامه را به انضمام

مستندات و مدارکی که به موجب ماده (۳۷) این نظام‌نامه مقرر است در اسرع اوقات به

دبیرخانه معاضدت قضایی ارسال دارند.

ماده (۳۷) در صورتی که معاضدت قضایی لازم بداند که توضیحاتی از تقاضاکننده

بخواهد مشارالیه به وسیله نامه یا اخطار، احضار می‌شود ولی هرگاه اقامتگاه متقاضی

خارج از مرکز معاضدت قضایی باشد تحقیقات به وسیله یکی از وکلای دفتر عدلیه محل

یا پارکه محل اقامت تقاضاکننده به عمل می‌آید:

۱. تصدیق از معتمدین یا کلاتری محل اقامت تقاضاکننده مبنی بر عدم قدرت او برای

تأدیه حق‌الوکاله.

۲. رونوشت مدارک دعوی.

ماده (۳۸) در صورت رد، تقاضاکننده می‌تواند در ظرف (ده روز) به هیأت مدیره کانون

شکایت کند. رأی هیأت مدیره قطعی است.

ماده (۴۰) کلیه ارجاعاتی که از طرف معاضدت قضایی در حدود صلاحیت مؤسسه به وکلای

دفاتر عدلیه یا پارکه‌ها می‌شود به اسرع وقت انجام گردد.

ماده (۴۱) شعبه عرایض پس از وصول عرض حال به طریق ذیل اقدام خواهد کرد:

هرگاه عرض حال ناقص باشد نواقص آن را به دفتر دستور خواهد داد و اگر عرض حال کامل باشد عقیده خود را در پیشرفت دعوی خواهد نوشت و در صورتی که پیشرفت داشته باشد آن را به شعبه قضایی تسلیم خواهد کرد. شعبه قضایی وکیلی را برای تقاضا کننده معین می کند.

ماده (۴۶) ابلاغات در سه نسخه صادر می شود:

نسخه اول به تقاضا کننده داده خواهد شد و نسخه ثانی در پرونده مربوط بایگانی و نسخه ثالث برای ابلاغ به وکیل انتخابی به دفتر کانون ارسال می شود.

ماده (۴۷) قرارداد حق الوکاله معاضدتی به اسم معاضدت قضایی تنظیم می شود و مأمور وصول حق کانون محاسبات مؤسسه مزبور است.

ماده (۴۸) نمونه اوراق تقاضانامه و سایر اوراق مربوطه به امور معاضدت را هیأت مدیره کانون تعیین خواهد کرد.

ماده (۴۹) دفتر معاضدت مکلف است اطلاعاتی که از طرف وکیل انتخابی واصل می شود به موکل ابلاغ کند.

۸. آیین نامه راجع به دفتر راهنمایی کانون وکلا مصوب ۱۳۱۷:

مجموعه قانونی تأسیس دفترهای راهنمایی و پذیرش در بیرون از کانون و اداره معاضدت: این آیین نامه که مستند قانونی تشکیل دفترهای راهنمایی و پذیرش مردم و دادن مشاوره به آنها در اداره های دادگستری و ثبت است در مقدمه اش آمده است:

«... نظر به اینکه بین مراجعه کنندگان به عدلیه و یا اداره ثبت اسناد و املاک اشخاصی یافت می شوند که از قوانین و سایر مقررات بی اطلاع بوده و تمکن کافی هم برای مراجعه به وکیل عدلیه ندارند و به این ترتیب نمی توانند از وسایلی که قانون در دسترس آنها گذاشته استفاده کرده به حق خود برسند وزارت عدلیه به شرح سواد پایین، دفتر راهنمایی برای هدایت آنها تشکیل و انجام این امر را به عهده کانون وکلا قرار داده تا وظیفه مهمی را که وکلای عدلیه در کمک به احقاق حق دارند نسبت به تمام طبقات اعم از اینکه قادر به دادن حق الوکاله باشند یا نه به طور تساوی انجام دهند. بنابراین بعدها کسانی که دارای تمکن کافی مالی نیستند، اگر احتیاج به مراجعه به مقامات قضایی پیدا می کنند می توانند به دفتر راهنمایی رجوع کنند. دفتر راهنمایی سعی می کند نسبت به

درخواست‌هایی که می‌رسد خود رسیدگی و تعیین تکلیف مساعدت‌های معنوی نماید و اگر دید برای احقاق حق دخالت وکیل عدلیه لازم است به قسمت معاضدت قضایی صاحب کار را هدایت می‌کند تا وکیل مجانی برای او انتخاب شود...» بازخوانی این مقررات نیز در اینجا بی‌مناسبت نیست:

ماده ۱) کسانی که تمکن کافی برای مراجعه به وکیل عدلیه ندارند و همچنین ادارات عام‌المنفعه و بنگاه‌هایی که به منظور امور خیریه درست شده از راهنمایی استفاده می‌کنند.  
ماده ۲) راهنمایی نسبت به کلیه دعاوی که در عدلیه اعم از دوایر جرایمی یا حقوقی طرح شده و یا طرح می‌شود و همچنین نسبت به اموری که در دوایر اجرا مطرح است و یا می‌بایستی طرح گردد و نسبت به مسایل راجع به ثبت املاک و اعتراض بر آن و اسناد لازم‌الاجرا ممکن است به عمل آید.

ماده ۳) تقاضای راهنمایی ممکن است کتبی باشد یا شفاهی و هیچ هزینه به آن تعلق نمی‌گیرد مرجع این تقاضا نامه دفتر کانون وکلا است وقتی این تقاضا قبول می‌شود که تقاضاکننده عدم تمکن خود را برای رجوع به وکیل اعلام کند.

ماده ۴) دفتر راهنمایی تشکیل می‌شود از یک نفر رییس و به عده کافی از بین مأمورین قضایی و کارآموزان یا وکلای سایر کسانی که اطلاعات حقوقی دارند اعضا خواهد داشت.

ماده ۵) همین که درخواست از دفتر راهنمایی به عمل آمد خلاصه آن در دفتر مخصوص ثبت شده رییس دفتر شخصاً یا به وسیله یکی از اعضای آن را مورد بررسی قرار داده و به صاحب کار راهنمایی می‌کند که چه اقدامی می‌بایستی برای انجام کار خود به عمل آورد و به چه مرجعی می‌بایستی رجوع کند.

ماده ۶) راهنمایی به مسؤولیت رییس دفتر راهنمایی به عمل می‌آید اگرچه از طرف اعضا اقدام به آن شده باشد.

ماده ۷) راهنمایی ممکن است کتبی یا شفاهی باشد در هر حال خلاصه آن باید در دفتر قید شود.

ماده ۸) راهنمایی فقط جنبه مشاوره را داشته و مسؤولیت حقوقی برای رییس راهنمایی و یا کانون وکلا ایجاد نمی‌کند ولی ارتکاب خط در راهنمایی موجب تخلف انتظامی خواهد بود.

ماده ۹) اگر دفتر راهنمایی دید که مراجعه کننده مدرکی برای اثبات ادعای خود ندارد در ضمن راهنمایی این نکته را خاطر نشان می کند که دعوای او ممکن است به نتیجه مطلوب نرسد.

ماده ۱۰) اگر در اثر راهنمایی احتیاج به معاضدت قضایی پیدا شود مراجعه کننده به معاضدت قضایی هدایت شده و ضمناً به او اعلام خواهد شد که اظهار عدم تمکن از نظر معاضدت قضایی کافی نیست و باید دلایلی که بر اعسار خود دارد به معاضدت قضایی ارائه بدهد تا وکیلی برای او انتخاب شود.

با این مقررات کانون وکلای مرکز از آغاز شکل گیری اش به عنوان یک نهاد مستقل مدنی و حتی پیش از آن پیشینه ای بیش از ۵۰ سال ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی و نیز وکالت معاضدتی به مردم را در پشت سر دارد. می گویند درخت را از میوه اش باید شناخت. نگاهی به نمونه آمار گذشته کار اداره معاضدت کانون وکلای مرکز از ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۸ که مراجعان و تعدادی که برای آنها وکیل معاضدتی تعیین شده است را دربر دارد، گذشته این درخت و میوه آن را برای مردم نیازمند بهتر می شناساند. این آمار و همچنین آخرین آمار کار اداره معاضدت (پاییز ۱۳۸۴) در همین نوشته قابل ملاحظه است.

**ب) قوانین معاضدت پس از طرح موضوع الزامی بودن دخالت وکیل دادگستری در دعوای:**  
این قوانین دو دسته هستند:

#### ۱- ب) قوانین مربوط به مقدمات الزام دخالت وکیل دادگستری در دعوای:

برای الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعوای قانونگذار ایرانی پیش از انقلاب در دو قانون، مقرراتی را مصوب کرد که زمینه اجرایی این کار را فراهم بیاورد و در واقع مقدمات اجرای قانون الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعوای است این دو قانون مصوبات قانونگذار ایرانی از ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۶ پیش از انقلاب اسلامی می باشد، عبارت اند از:

۱. ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان که در تاریخ ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ مقرر

داشت:

«... دولت به پیشنهاد وزارت دادگستری هر سال مبلغی بابت حق الوکاله های تسخیری و معاضدتی در بودجه کل کشور پیش بینی و به کانون های وکلا خواهد پرداخت.

حق الوکاله وکالت‌های تسخیری و معاضدتی طبق آیین‌نامه‌ای است که از طرف کانون وکلای مرکز با مشارکت نماینده یا جلب نظر کانون‌های دیگر تهیه و به تصویب وزارت دادگستری خواهد رسید...»

۲. مواد ۳۱ تا ۳۴ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری (فصل هشتم، بخش وکالت)

قانونگذار با تصویب این بخش از قانون مذکور در ۱۳۵۶/۳/۲۵ ضمن پیش‌بینی مبلغی در بودجه بابت حق الوکاله‌های تسخیری و معاضدتی قانون الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی را تصویب کرد و اجرا و چگونگی آن از نظر اینکه کدام نوع دعاوی و کدامیک از نقاط کشور مشمول آن شود را با تدارک مقدمات لازم به عهده وزارت دادگستری نهاد. طی مقررات این مواد:

۲.۱. وکلا مکلف شده‌اند سعی نمایند در همه دعاوی حقوقی و کیفری در هنگام اقامه دعوی یا دفاع و ادامه جریان آنها مساعی خود را برای سازش طرفین به کار برند.

۲.۲. به تشخیص و اختیار وزارت دادگستری (قوه قضاییه) الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی معین و نیز محدوده جغرافیایی معین در مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ با اختیار عدول از اجرا در صورت بروز مشکلات پیش‌بینی شده است. همین وکلای دادگستری مکلف به تأمین وکیل دادگستری شده‌اند.

۲.۳. قانونگذار در واقع پیش از اجرای مقررات الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی مقدمه لازم آن را در ماده ۳۴ همین قانون که باز هم موضوع تأمین اعتبار برای اجرای این قانون است به شرح زیر پیش‌بینی، مقرر و مورد تأکید مجدد قرار داده است:

ماده ۳۴: «۱. میزان حق الوکاله وکیل معاضدتی و شرایط پرداخت قسمتی از آن به وکلای دادگستری و استیفای حق الوکاله از مال محکوم‌علیه و نیز میزان حق الوکاله در مواردی که قبل یا بعد از اقامه دعوی به سازش ختم می‌شود و نیز انواع وسایل تقدیر مادی و معنوی از وکلایی که برای ختم دعاوی به سازش مساعی فوق‌العاده ابراز نمایند و به طور کلی ترتیب اجرای مقررات این فصل به نحوی که حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوانعالی کشور سلب نشود طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد...»

نقد: وزارت دادگستری و قوه قضاییه پیش از انقلاب هیچ اقدام اجرایی برای پیش نهاد و تأمین اعتبار حق الوکاله معاضدتی و تسخیری که طبق مقررات ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت

وکلا و کارگشایان و نیز ماده ۳۴ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری (فصل هشتم، بخش وکالت) مکلف به آن بود و مقدمه الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی است به عمل نیاورد... ولی قانون را هم بلااجرا رها کرد. نظام سیاسی و قضایی و قانون اساسی نیز با استقرار جمهوری اسلامی تغییر کرد. بدیهی است با اجرا نشدن ماده ۳۴ فوق و عدم تأمین بودجه عمومی برای حق الوکاله‌های معاضدتی و تسخیری ماده ۳۲ قانون نیز غیر قابل اجرا باقیماند. این ماده چنین مقرر داشته است: در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام کند اقامه تمام یا بعضی از دعاوی حقوقی و نیز شکایت از آرا و دفاع از آنها در دادگاه‌های دادگستری با دخالت وکیل دادگستری خواهد بود، کانون وکلای دادگستری مکلف به تأمین وکیل معاضدتی برای اشخاص بی‌بضاعت یا کسانی است که قادر به تأدیه حق الوکاله در موقع انتخاب وکیل نیستند. تشخیص عدم بضاعت یا عدم توانایی اشخاص برای تأدیه حق الوکاله با دادگاه مرجع رسیدگی به دعوی و در مورد شکایت فرجامی با دادگاهی می‌باشد که رأی مورد شکایت فرجامی را صادر کرده است.

**۲- ب) مقررات مربوط به وکالت و وکالت معاضدتی و نیز الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی در قانون اساسی ۱۳۵۸ و قوانین بعد از انقلاب، مصوب سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۴:**

با پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی جدید چند اصل مهم درباره وکالت و وکالت معاضدتی به تصویب رسید:

اصل (۳۴) «... دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد...»

اصل (۳۵) «... در همه دادگاه‌ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد...».

همچنین در قوانین عادی پراکنده‌ای نیز مقررات دیگری درباره حق انتخاب وکیل

تصریح گردید:



ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب: هر یک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب: در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی کنند. وقت دادرسی به متهم شاکی مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان را ابلاغ خواهد داشت در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هر یک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب: متهم می‌تواند از دادگاه تقاضا کند وکلی برای او تعیین کند، چنانچه دادگاه تشخیص دهد متهم توانایی انتخاب وکیل را ندارد از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه مجاور وکلی برای متهم تعیین خواهد کرد و در هر حال حق الوکاله تعیینی نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق الوکاله یاد شده از ردیف مربوط به بودجه دادگستری پرداخت خواهد شد.

#### **د) سرنوشت قانون الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی پس از انقلاب:**

۱. نخستین گام قوه قضاییه پس از انقلاب برای اجرای قوانینی که مقدمه الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی است نوشتن آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۹/۱۰/۵۵ است که در تاریخ ۶۴/۴/۲۱ با پیشنهاد کانون وکلای دادگستری مرکز در دوره فترت توسط ریاست محترم قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است. این آیین‌نامه بدو در مواد یک و دو، وکالت تسخیری و معاضدتی را به شرح زیر تعریف می‌کند:

ماده یک: وکالت تسخیری وکالتی است که از طرف دادگاه در امور کیفری برای دفاع از متهم به وکلا ارجاع می‌شود.

ماده دو: وکالت معاضدتی وکالتی است که از طرف کانون در امور حقوقی طبق قانون و با رعایت مقررات فصل دوم آیین‌نامه قانون وکالت مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۱۶ به وکلا ارجاع می‌شود.

سپس در ماده ۳ میزان حق الوکاله هر مورد وکالت تسخیری یا معاضدتی را به شرح زیر معین کرده است:

ماده سه: میزان حق الوکاله قابل پرداخت برای هر مورد وکالت تسخیری یا معاضدتی مبلغ هفتاد و پنج هزار ریال است.

۲. در خرداد سال ۱۳۸۴ قوه قضاییه آیین نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲ این قانون را با تصریح به اجرا از تاریخ تصویب در همه دعاوی و در سراسر ایران تهیه و به دادگستری‌ها و کانون‌های وکلا ابلاغ کرد.

این کار در حالی صورت گرفت که هیچ کدام از مقدمات دو قانون مربوط به الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی یعنی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق... و ماده ۳۴ از بخش وکالت قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ فراهم نیامده بود... به این لحاظ می‌توان گفت ضرورت دارد قوه قضاییه و کانون وکلای مرکز، قسمت اجرا نشده قانون الزامی شدن دخالت وکیل را مورد توجه و اقدام قرار دهند که در این مورد هیأت محترم مدیره کانون در حال تصمیم‌گیری است.

۳. اصلاح ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲ در ۸۴/۴/۱۸

اشکالاتی که بلافاصله پس از انتشار آیین‌نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲ گرفته شد، به فاصله یک ماه، ماده ۱ آن را تغییر داد. هرچند برخلاف پیش‌بینی قانون اصلی و تفویض اختیار به قوه قضاییه برای اجرای محدود قانون در نقاط معین کماکان قانون برای سراسر ایران لازم‌الاجرا ماند. ولی بعضی از دعاوی از شمول قانون مستثنی گردید، زیرا ماده ۱ اصلاحی مقرر داشت: به حکم ماده ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ اقامه کلیه دعاوی مدنی و حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع از آنها در دادگاه‌های دادگستری با دخالت وکیل دادگستری یا مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷ قانون برنامه و توسعه خواهد بود.

تبصره یک: اشخاص حقیقی موارد زیر را شخصاً نیز می‌توانند حسب مورد درخواست دادرسی و اقامه دعوی نمایند:

الف) تصمیم دادگاه نسبت به بضاعت یا عدم توانایی اشخاص برای تأدیه حق الوکاله...

ب) دعاوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی و اعسار از محکوم به

ج) اعتراض به تصمیم واحد ثبتی نسبت به افراز املاک مشاع و تقاضای فروش املاک

مشاع غیر قابل افراز

د) کلیه درخواست‌های امور حسبی و گواهی حصر وراثت و حضانت و ملاقات اطفال، حکم به رشد، نصب قیم و ضم امین و عزل آنها و درخواست سرپرستی طفل بی سرپرست مصادیق قانون حمایت از اطفال بی سرپرست مصوب ۱۳۵۴.

ه) طلاق توافقی و درخواست اخذ اجازه و درخواست اخذ اجازه و درخواست احراز غیر ممکن بودن استیذان پدر یا جد پدری از دادگاه مصادیق مواد ۱۰۴۲ و ۱۰۴۴ قانون مدنی.

و) کلیه دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن ده میلیون ریال یا کمتر باشد و دعاوی مالی کمتر از پنجاه میلیون ریال که خواسته صرفاً مطالبه وجه باشد.

ز) تقاضای تخلیه مصداق ماده ۲ ناظر بر ماده ۶ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۷۶.

چ) درخواست تأمین دلیل و دستور موقت و سازش مصادیق مواد ۱۷۸ لغایت ۱۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی و مراجعه به دادگاه حسب مورد برای تعیین داور مصادیق باب هفتم داوری مواد ۴۵۴ لغایت ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصب ۱۳۷۹ و اعتراض شخص ثالث مصادیق مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب یکم آبان ماه سال ۱۳۵۶ با اصلاحیه‌های بعدی و مطالبه حق به وسیله اظهارنامه مصادیق مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹. تبصره ۴: اقامه دعوی توسط وکیل دادگستری یا مشاوران حقوقی مانع از حضور موکلین در دادگاه و شرکت در دفاع نمی‌باشد.

تبصره ۳: دولت و دارندگان رتبه قضایی اعم از شاغل و بازنشسته و وکلای دادگستری و مشاورین حقوقی و فارغ‌التحصیلان رشته حقوق در دعاوی مربوط به خود از مقررات فوق در خصوص تعیین وکیل مستثنی می‌باشند.

چون یک استثناء دیگر موکل به توافق طرفین هم در ماده اولیه پیش‌بینی شده است بهتر است آن را هم یادآوری کنیم:

ماده ۱۴: شوراهای حل اختلاف که در اجرای ماده ۱۸۹ قانون پنج ساله برنامه سوم تشکیل و در اجرای ماده ۱۳۰ برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه، تثبیت و توسعه یافته و

رسیدگی در شورا تابعه تشریفات آیین نامه دادرسی نبوده و طرح شکایت یا دعوی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی و اجرای آرا در هر مرحله مجانی خواهد بود. لذا افرادی که تمایل به اقامه دعوی با وکیل نباشند با لحاظ حدود صلاحیت شورای حل اختلاف و توافق طرفین به صلح و سازش به آن ارجاع داده شوند.

باز هم چند استثناء دیگر که در قوانین جداگانه مقرر شده و در آیین نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲

تکرار شده است:

ماده ۸: وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیردولتی شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هر دعوا یا دفاع و یا تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یک از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده کنند:

۱. دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوطه.

۲. دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.

۳. تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قایم مقام قانونی وی خواهد بود. (ارایه معرفی‌نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزام است)

ماده ۹: تمام وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های دولتی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) مکلفند بنابه درخواست کارکنان خود در زمان حیات و یا وراثت درجه اول آنان پس از فوت در دعواهایی که از انجام وظیفه آنان ناشی می‌شود یا به نحوی با وظایف ایشان مرتبط است، با استفاده از کارشناسان حقوقی شاغل، به آنان خدمات حقوقی رایه کنند.

تبصره ۱: مقررات ماده صدرالذکر شامل کارکنان که (آن دستگاه) از آنان شاکی باشند نخواهد شد.

تبصره ۲: کارشناسان حقوقی موضوع ماده ۸ این آیین نامه باید دارای حداقل مدرک

کارشناسی در رشته حقوق قضایی و در موارد یاد شده بدون الزام به دریافت و ارایه پروانه وکالت و با الزام به رعایت بخشی از مقررات راجع به وظایف و تکالیف وکلای دادگستری که در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص شود با درخواست اشخاص مذکور در ماده واحده حسب مورد در تمامی مراحل دادرسی به عنوان وکیل شرکت کنند.

تبصره ۴: آیین نامه اجرایی حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب جلسه ۱۶ شهریور ۱۳۷۹ هیأت وزیران با اصلاحیه‌های بعدی قابل اجراست.

۱۰. به حکم ماده ۲۰۳ قانون و مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۳ و قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱ و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۷۲، کارشناسان دفاتر حمایت حقوقی و قضایی ایثارگران به عنوان وکیل در کلیه مراحل دادرسی برای افراد تحت حمایت خود، وفق قوانین اقدام می‌کنند.

ماده ۱۱: برابر ماده ۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در عدلیه نباشد اگر بخواهند برای اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بکنند ممکن است به آنها در سال سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود. لذا برابر آیین نامه صدور جواز وکالت اتفاقی (موقت) مصوب ۱۳۷۸ ریاست قوه قضایی عمل می‌گردد.

نقد قوه قضاییه در عدم اجرای مقرراتی که مقدمه الزام دخالت وکیل دادگستری در دعاوی است:

شورای عالی قضایی و قوه قضاییه پس از انقلاب هم حتی پس از ناآرامی‌های آغازین و پایان جنگ تحمیلی هیچ اقدام اجرایی برای پیشنهاد و تأمین اعتبار برای حق الوکاله‌های معاضدتی و تسخیری که طبق مقررات ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان و نیز ماده ۳۴ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری (فصل هشتم، بخش وکالت) مکلف به آن بود و مقدمه الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی است به عمل نیاورد...

در واقع قوه قضاییه پس از انقلاب هم نه تنها هیچ قسمت از دو قانون مربوط به تأمین

اعتبار عمومی و تنظیم آیین‌نامه اجرایی برای آن را برخلاف نظر و مصوبات قوه مقننه مورد توجه و اقدام مؤثر قرار نداده است بلکه گویا اصولاً اعتقاد به تأمین اعتبار لازمی که هزینه الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی است، نداشته و ندارد زیرا با وجود مصوبات قوه مقننه در این مورد:

اولاً: گام نخست را در اجرای قانون مقدم پس از ۱۹ سال یعنی در تاریخ ۱۳۴۱/۱۲/۲۴ با تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری برداشت. و البته فقط در آن سال برای هر پرونده معاضدتی و یا تسخیری ۷۵۰۰۰۰ ریال حق الزحمه تعیین کرده است... و سال‌های بعد نیز یعنی مدت ۱۰ سال دیگر هیچ پیشنهادی درباره تأمین و یا افزایش اعتبار لازم برای این ماده به دولت داده نشده... و باز هم موضوع مسکوت و بی‌تغییر رها شده است. البته کانون وکلا که از ۱۳۷۷ دارای هیأت مدیره انتخابی است باید در این زمینه مبلغ حداقلی برای هر پرونده معاضدتی و تسخیری معین و به قوه قضاییه پیشنهاد می‌کرد. هیأت محترم مدیره کانون وکلای مرکز هنوز هم باید این پیشنهاد را رأساً تهیه و به قوه محترم قضاییه پیشنهاد فرمایند. زیرا در سال ۱۳۷۴ اگر هم پیشنهاد اعتبار از سوی کانون شده باشد، بلحاظ نبود مدیریت انتخابی قانوناً ملاک نمی‌تواند باشد.

ثانیاً: قوه محترم قضاییه مقدمه لازمی را هم که در قانون دوم (ماده ۳۴ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری) پیش‌بینی شده بود، اصولاً مسکوت گذاشت ولی پس از مدت ۲۸ سال به جای این ماده برخلاف تصریح خود قانون برای مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مذکور آیین‌نامه نوشت!

اداره معاضدت از حق الوکاله تعیینی در آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ در سال ۷۴ حتی در یک مورد هم حق الوکاله چه برای سهم کانون و چه برای وکیل معاضدتی تعیینی مطالبه یا دریافت نکرده است.

موضوع این است که چرا قوه محترم قضاییه آن قسمت از مقررات قانون را که ناظر به تأمین اعتبار عمومی برای پرداخت به کانون‌های وکلا جهت حق الوکاله‌های معاضدتی و حل دشواری‌های تراکم مراجعان وکالت معاضدتی ناشی از الزامی شدن وکالت وکیل دادگستری در دعاوی است بلا اجرا گذارده‌اند و در هیچ کدام از دو مورد (نه ماده ۱۰ و نه

ماده ۳۴ قانون‌های یاد شده) به تکالیفی که قانونگذار در این مورد به قوه قضاییه محول کرده است اقدام نکرده‌اند. ولی در آن قسمت که مربوط به انجام و ارایه خدمات وکالت معاضدتی است، برعکس به طور کامل تا حد اکثر تمام ظرفیتی که در ماده ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مقرر شده است تکلیف به عهده کانون و وکلای محترم دادگستری نهاده است؟ نمی‌توان این امر را اتفاقی دانست. بجاست مسئولین محترمی که متولی و متصدی این کار هستند به ریاست محترم قوه قضاییه و مردم که البته وکلا نیز جزء آنان هستند پاسخ دهند که آن چیست و این چیست؟ چرا هر دو قسمت مصوبات قانون قوه مقننه را آن گونه که مقرر شده است در کلیت خود اجرا نکرده‌اند و نمی‌کنند؟ زیرا درست است که قانون، وکلا را مکلف به تأمین وکیل معاضدتی برای مردم بی‌بضاعت و کم‌درآمد کرده است ولی در مقابل این تکلیف، بودجه و تأمین اعتبار پرداخت حق الوکاله وکالت معاضدتی و تسخیری را هم قرار داده است. و هر دو قسمت قانون نیز در کلیت خود باید اجرا شود.

چرا قوه محترم قضاییه در تمام مراحل طرح الزامی کردن دخالت وکیل در دعاوی آن قسمت از وظایفی را که طبق مصوبات قانونی قوه مقننه برای پیشنهاد و تصویب تأمین اعتبار عمومی در بودجه‌های عمومی سالانه کل کشور چه در ماده ۱۰ قانون حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری و چه در ماده ۳۴ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری جهت پرداخت به کانون‌های وکلای دادگستری به عنوان حق الوکاله هر مورد وکالت‌های معاضدتی و تسخیری به وکلا به عهده داشته است نادیده گرفته است و به جای اینکه طبق تصریح متن قانون برای ماده ۳۴ آیین‌نامه بنویسند برای مواد ۳۱ و ۳۲ آیین‌نامه نوشته‌اند؟

هرچند این کار مسئولین محترم قوه قضاییه به معنی سلب حق قانونی مقرر از یک سو و ایجاد تکلیف در برابر حق سلب شده مذکور از سوی دیگر است،

هرچند این برخورد برخلاف متن قانون مورد تصویب قوه مقننه است برخلاف قاعده شرعی و قانونی؛ اصل عدم تبرع است؛ و برخلاف اصلی است که در همه جهان می‌گوید خدمت رایگان داوطلبانه باید باشد نه تکلیفی...

با وجود این کانون‌های وکلا از این اقدام بسیار مهم در تاریخ دادگستری و وکالت ایران یعنی الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی را، با حفظ انتقاد و یادآوری لزوم اجرای تمامی

مقررات قانون در کلیت خود از جمله تنظیم آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۴ و تأمین اعتبار برای آن در بودجه طبق نظر مصوب قانونگذار استقبال می‌کنند.

به نظر اداره معاضدت قانون عادی الزامی کردن دخالت وکیل دادگستری در دعاوی پس از تمهیدات و هماهنگی‌های لازم با کانون‌های وکلا به شرحی که در قانون مصوب ۱۳۵۶ آمده و پیش‌بینی شده می‌توانست و می‌تواند بهتر اجرا شود. و اصل ۳۵ قانون اساسی نیز بیش از این معطل نماند.

به نظر اداره معاضدت با اجرای مقررات هر دو بخش از قانون عادی در کلیت خود در جهت مصلحت مردم و تأمین حقوق آنها به ویژه آنها که توانایی گرفتن وکیل را ندارند، گامی بلندتر برداشته می‌شود. با تأمین امکانات و اعتبارات لازم ادارات معاضدت و وکالت تسخیری کانون وکلای دادگستری، قانون در کلیت خود اجرا می‌شود و اصل ۳۵ قانون اساسی نیز در عمل پیاده می‌شود و کانون‌های وکلا هم در ارایه بهتر خدمات حقوقی و وکیل معاضدتی و تسخیری که قوانین به عهده کانون‌های وکلا گذاشته است، تواناتر می‌شوند. زیرا مطالعه تاریخی و تطبیقی نشان می‌دهد تهیه امکانات و اعتبارات و پشتیبانی لازم برای کانون‌های وکلا و وکلای معاضدتی و تسخیری، در این زمینه مانند کشورهای دیگر جهان با قوه قضاییه، دولت و سازمان‌های غیردولتی و از محل اعتبارات عمومی و کمک‌های مردم است. ولی تاکنون به ویژه در دوره ۵۳ ساله استقلال این نهاد مستقل مدنی عملاً همه این بار را خود کانون‌های وکلا و اعضای آن کشیده‌اند، آنهم صرفاً با تکیه بر امکاناتی که خود کانون وکلا فراهم آورده است و با بهره‌مندی از همکاری و مشارکت گسترده وکلای محترم عضو...

به نظر اداره معاضدت با کشیدن دامنه تأمین اعتبار عمومی به این میدان می‌توان ضمن حفظ تداوم ارایه خدمات راهنمایی و وکالت معاضدتی و تسخیری ۸۰ - ۹۰ ساله کانون‌های وکلا که قبلاً طبق مقررات مصوب سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۳۵۵ قانونگذار ایرانی بی‌هرگونه استفاده از بودجه و اعتبار عمومی با همکاری همه وکلای محترم دادگستری انجام می‌گردیده است و می‌گردد این خدمات را به شیوه‌ای نوتر و کارآمدتر مطابق آخرین دستاوردهای نهادهای معاضدت قضایی در جهان ارایه داد. پیش از آنکه به ادامه سخن خود پردازیم آمار کار اداره معاضدت را در دو قسمت بررسی می‌کنیم:



بخش نخست آمار سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۸ و بخش دوم آخرین آمار مربوط به سه ماهه تابستان و پاییز ۱۳۸۴.

**آمار معاضدت قضایی در کانون وکلای سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۸**

سال	درخواست معاضدت	وکیل انتخابی
۱۳۱۷	—	۴۴۲
۱۳۱۸	—	۶۱۶
۱۳۱۹	—	۵۸۱
۱۳۲۰	—	۴۰۰
۱۳۲۱	—	۳۴۲
۱۳۲۲	۱۹۸	۹۳
۱۳۲۳	۲۳۶	۱۴۷
۱۳۲۴	۲۳۹	۸۲
۱۳۲۵	۲۲۲	۱۴۸
۱۳۲۶	۲۱۱	۱۱۳
۱۳۲۷	۱۴۱	۹۵
۱۳۲۸	۱۷۵	۱۰۴
۱۳۲۹	۲۵۳	۱۰۸
۱۳۳۰	۴۰۲	۱۰۹
۱۳۳۱	۲۹۷	۶۸
۱۳۳۲	۲۵۶	۱۹۲
۱۳۳۳	۲۲۲	۱۷۵
۱۳۳۴	۲۹۵	۲۴۳
۱۳۳۵	۴۸۴	۳۵۸
۱۳۳۶	۲۸۳	۲۷۵
۱۳۳۷	۲۳۶	۱۹۲
۱۳۳۸	۲۳۷	۱۹۴

**تعداد ارباب رجوعی که درباره آنها راهنمایی بعمل آمده:**

در سال	۱۳۱۷	۳۶۱	نفر
در سال	۱۳۱۸	۶۳۹	نفر
در سال	۱۳۱۹	۳۷۸	نفر
در سال	۱۳۲۰	۱۸۱	نفر
در سال	۱۳۲۱	۱۶۳	نفر

## اداره معاضدت قضایی کانون وکلای دادگستری مرکز

## آمار مراجعین جهت مشاوره در تابستان و پاییز ۱۳۸۴

تعداد مراجعین زن	تعداد مراجعین مرد	تعداد کل مراجعین	تاریخ
۴۹۳	۷۲۶	۱۲۱۹	تیرماه
۵۵۴	۸۹۰	۱۴۴۴	مرداد ماه
۵۸۳	۷۹۸	۱۳۸۱	شهریورماه
۱۶۳۰	۲۴۱۴	۴۰۴۴	تابستان (مجموع)
۵۸۹	۸۴۰	۱۴۲۹	مهرماه
۵۵۹	۷۷۶	۱۳۳۵	آبان ماه
۶۶۴	۸۷۱	۱۵۳۵	آذرماه
۱۸۱۲	۲۴۸۷	۴۲۹۹	پاییز (مجموع)

## تعداد وکلایی که مشاوره داده‌اند به تفکیک خانم و آقا

نامشخص	خانم	آقا	تعداد کل	تاریخ
۸۶	۴۴۶	۸۹۷	۱۴۲۹	مهرماه
۱۱۰	۳۴۵	۸۸۰	۱۳۳۵	آبان ماه
۲۴۲	۳۰۴	۹۸۹	۱۵۳۵	آذرماه
۴۳۸	۱۰۹۵	۲۷۶۶	۴۲۹۹	پاییز (مجموع)

## آمار تابستان و پاییز ۱۳۸۴ کانون وکلای مرکز

## آمار ارقامی پرونده‌های معاضدتی ارجاعی به وکلای محترم دادگستری

تعداد	کل	مرد	زن
وکیل	۴۲۰	۲۲۲	۱۹۸
موکل	۴۲۰	۱۴۷	۲۷۳

**آمار مقایسه‌ای پرونده‌های معاضدتی ارجاعی به وکلا  
با توجه به قانون الزامی شدن وکالت**

تاریخ	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	مجموع
تعداد	۶	۱۳	۱۲	۱۷	۲۷	۳۱	۲۹	۶۵	۲۲۰	۴۲۰

• در سال ۸۴ تعداد ۱۲ پرونده بایگانی و مختومه شده است.

**آمار موضوعی پرونده‌های معاضدتی ارجاعی به وکلای معترم دادگستری**

تعداد	موضوع پرونده
۲۲۴	خانوادگی (طلاق، مهریه، نفقه، حضانت فرزندان، تمکین، ازدواج مجدد)
۶۸	مطالبه وجه (چک، ثمن، خسارات، سفته)
۴۳	اسناد (الزام به تنظیم سند، ابطال اسناد، قولنامه، مبیعه‌نامه، وکالتنامه، قرارداد)
۱۷	ارث
۱۱	چک
۷	شناسنامه (ابطال، صدور، تغییر نام)
۷	اثبات یا نفی نسب
۴۳	ورشکستگی، حق شفعه، مال مشاع، خلع ید، داوری، بیع، ملک، مالک و مستاجر)
۴۲۰	مجموع

آمار پرونده‌هایی که در اجرای مواد ۶ و ۴۶ آیین‌نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری مجتمع‌های قضایی و دادگستری‌های تهران ارجاع شده و به متقاضیان آنها وکیل معاضدتی تعلق گرفته است.

تعداد	نام دادگستری	تعداد	نام دادگستری
۴۹	مجتمع قضایی شهید بهشتی	۱۰۷	مجتمع قضایی شهید باهنر
۱	مجتمع قضایی شهید مطهری	۲	مجتمع قضایی شهید صدر
۲	مجتمع قضایی خانواده یک	۱	مجتمع قضایی شهید محلاتی
۱	مجتمع قضایی شهید بعثت	۲	مجتمع قضایی خانواده دو
۲۱	دادگستری شهریار	۵۵	دادگستری کرج
۱	دادگستری ایوانکی	۲	دادگستری پیشوا
۱	دادگستری سیرجان	۴	دادگستری اسلامشهر
۱	دادگستری پاکدشت	۱	دادگستری لواسان
۱	دادگستری رودهن	۲	دادگستری شهر ری

تعداد وکلایی که به عنوان نماینده و رابط با مجتمع‌های تهران همکاری می‌کنند

\* مجتمع خانواده ۲ (ونک) و مجتمع شهید مفتح اتاقی تحویل نداده‌اند و مجتمع شهید مطهری اتاقی که در نظر گرفته‌اند را تجهیز نکرده‌اند.

**تعداد وکلایی که به عنوان نماینده و رابط به دادگستری شهرستان‌ها معرفی شده‌اند**

ردیف	محل	وکیل		جمع	کارآموز		جمع	جمع کل
		آقا	خانم		آقا	خانم		
۱	مرکز آرژانتین	۱۶	۴۰	۵۶	-	-	-	۵۶
۲	شهید محلاتی	-	۷	۷	۲	۵	۷	۱۴
۳	شهید صدر	۶	۸	۱۴	۳	۶	۹	۲۳
۴	عدالت	۲	۵	۷	۱	۳	۴	۱۱
۵	شهید مطهری	۲	۵	۷	۲	۳	۵	۱۲
۶	شهید باهنر	۷	۱۱	۱۸	۲	۸	۱۰	۲۸
۷	شهید بهشتی	۴	۱۲	۱۶	۲	۹	۱۱	۲۷
۸	شهید مفتاح	۶	۳	۹	۱	۶	۷	۱۶
۹	خانواده ۲ - ونک	۶	۴	۱۰	۲	۷	۹	۱۹
۱۰	خانواده ۱ - نبرد	۷	۶	۱۳	۷	۷	-	۲۰
۱۱	بعثت	۲	۱	۳	۳	۵	۸	۱۱
<b>مجموع</b>		<b>۵۸</b>	<b>۱۰۲</b>	<b>۱۶۰</b>	<b>۵۹</b>	<b>۱۸</b>	<b>۷۷</b>	<b>۲۳۷</b>

تعداد وکلایی که به عنوان نماینده و رابط به دادگستری شهرستان‌ها معرفی شده‌اند

ردیف	محل	وکیل		جمع	کارآموز		جمع کل
		آقا	خانم		آقا	خانم	
۱	کرج	۳	-	۳	-	-	۳
۲	نشافویه	۱	-	۱	-	-	۱
۳	بندرعباس	۴	-	۴	-	-	۴
۴	یزد	۳	-	۳	-	-	۳
۵	کرمان	۳	-	۳	-	-	۳
۶	زاهدان	۲	-	۲	-	-	۲
۷	شهریار	۵	-	۵	-	-	۵
۸	رودهن	۲	-	۲	-	۳	۵
۹	ورامین	۱۲	۱	۱۳	-	۳	۱۶
۱۰	قرچک ورامین	-	۱	۱	-	-	۱
۱۱	شهر ری	۳	۲	۵	-	-	۵
۱۲	اسلامشهر	۳	-	۳	-	-	۳
۱۳	پاکدشت	۳	-	۳	-	-	۳
۱۴	پیشوا	۱	-	۱	-	-	۱
۱۵	رباط کریم	-	-	-	۱	۱	۱
۱۶	گاوندی	-	۱	۱	-	-	۱
	جمع	۴۵	۵	۵۰	-	۷	۵۷

\* مجموع نمایندگان تهران و شهرستان‌ها ۲۹۴ نفر می‌باشد.